\*- صوت 167 الاتجاهات فی تفسیر العلم الاجمالی

\*- 1/366 : ما در علم اجمالی یک علم بیشتر نداریم و آن هم تفصیلی است. اصلا ما یک نوع علم بیشتر نداریم و آن تفصیلی است. یعنی دو نوع نیست تنها یک نوع را علم میدانیم و آن علم تفصیلی است. چند جور علم نداریم. علم یعنی انکشاف و انکشاف یک جور بیشتر نیست. اگر برای انکشاف اقسام ذکر میکنید به اعتبار منکشف و متعلق آن است، وگرنه علم یک چیز بیشتر نیست. مرحوم محقق نائینی و محقق اصفهانی به این قضیه قائل اند.

یک وقت هست که شما علم پیدا میکنید به یک چیز مشخص مثلا زید اینجا نشسته است و یک وقت هست که شما علم پیدا میکنید به یک جامعی؛ مثلا میدانید احد الانانین در آن خمر است یا ظهر جمعه یک نمازی در آن است.

پس میگویند ما بجز علم تفصیلی به جامع هیچ چیز اضافه تر نداریم و در کنار آن شکوک و احتمالات هستند و علم نیستند. دیگران یک چیز اضافه­تر نسبت به علم جامع هم داریم، مثلا من میدانم که یا زید یا عمرو اینجا است ولی نمیدانم که دقیقا کدامشان هست. اینجا دو علم است یک علم اینکه انسانی اینجا است و یک علم دیگری هم هست، اینکه میدانیم یا زید است یا عمرو و این خودش یک علم اضافه تری نسبت به قبلی است.

این دو بزگوار میگویند نه همین است. این دو بزرگوار میگویند وقتی میگوییم علم اجمالی در واقع المعلوم به اجمال است، یعنی علم که اجمالی نمیشود، بلکه معلوم است که اجمالا مشخص است.

اینها میگویند هویت علم اجمالی در واقع دو جنبه دارند. یک جنبه و رکن ایجابی دارند. میگویند علم اجمالی مشتمل است بر علم تفصیلی به جامع و یک جنبه سلبی هم دارد و میگوید این علم از جامع تعدی نمیکند به افراد و تا آخر در جامع می­ماند. اگر تعدّی کند به افرادش، دیگر علم اجمالی نیست بلکه علم تفصیلی است به یک فرد خاص. اما اینکه یک ذره به این تعدی کرده و یک ذره به آن تعدی کرده این را قبول نداریم.

برهان بر این مطلب : اگر قائل شوید علاوه بر علم به جامع چیز اضافه تری داریم این لازمه اش یکی از این سه امر است که هر سه امر، باطل است و شدنی است.

این سه حالت کدام ها است . (تطبیق متن)